

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه ششم، ۳۰ شهریور ۱۳۹۹

موضوع: مسائل مستحدثه/مسائل بورس /انواع عناوین ثانویه - تاریخچه بورس

### 1- حدیث اخلاقی (لزوم اعتدال در خواب و خوردن و آشامیدن)

حدیث امروز، باز یکی از احادیثی است که رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله، مصادیق و مصداق «أبغض إلى الله» را بیان فرمودند و از احادیثی است که واقعا باید برایش برنامه‌ریزی بکنیم.

این حدیث، در مجموعه ورام هست.

قال رسول الله (صلوات الله وسلامه عليه): «أبغضكم إلى الله تعالى كل نائم و أكل و شروب [1].»

«نئوم، آکول و شروب»، صیغهی مبالغه‌ی «نوم، اکل و شرب» است. حضرت فرمودند: «مبغوض‌ترین شما نزد خدا، کسی است که زیاد می‌خوابد، زیاد می‌خورد و زیاد می‌نوشد». جالب است که خواب و خوراک و شرب آب که وسیله حیات و زندگی انسان و مورد نیاز انسان است، اینها می‌شود دشمن انسان؛ انسان را طوری دشمن می‌کند که نعوذ بالله، دشمن خدا می‌شود؛ آن هم به عنوان مبغوض‌ترین دشمن خدا! أعاذنا الله منها.

عرض من این است اعزه من، فضیلاي محترم، برای خواب و خوراک و نوشیدنی‌ها و مایعاتی که استفاده می‌کنیم، برنامه‌ریزی کنیم؛ ما اگر خواب‌مان بی‌اندازه باشد، بیداری ما بی‌ثمر می‌شود؛ همان‌طور که از این طرف هم اگر بیداری ما بی‌اندازه باشد، خواب‌مان هم بی‌ثمر می‌شود؛ اینها در همدیگر، تأثیر و تأثر دارند.

﴿يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ﴾ [2].

ما نسبت به سفره و برنامه‌ی غذا، دستورات مختلفی داریم؛ فرمودند: «با گرسنگی وارد شوید و قبل از سیری بلند شوید»؛ [3] یعنی، «آکول» نباشید.

بیش از ۷۰ درصد بدن انسان، مایعات است؛ این قدر نیاز به مایعات دارد. به قول بعضی: «انسان بی‌خوراک می‌شود زنده بماند، ولی بی‌آب نمی‌تواند». و حتی در همین بیماری منحوسی که جهان به آن گرفتار شده است، و به برکت اهل بیت علیهم السلام، امیدواریم هرچه زودتر رفع و دفع این بیماری کرونا شود، سفارش دکترها این است که مراقبت از نشر این ویروس

داشته باشند؛ و یکی از چیزهایی که این ویروس و ویروس‌های مشابه را دفع می‌کند، این است که انسان، مایعات مصرف کند؛ این قدر مایعات برای بدن ما، مورد نیاز است. و می‌طلبد که ما برای زندگی اعتدالی برنامه‌ریزی کنیم، تا بتوانیم زندگی منسجم و منظمی داشته باشیم.

## 2- خلاصه مباحث گذشته

بحمدالله در بحث مسائل مستحدثه و بحث مسائل جدید بورس، ما در روش‌های استنباط مسائل مستحدثه، بحث روش‌شناسی داشتیم.

روش‌شناسی جزو مسائل لازم است. عزیزی که تشکرهای خاصی داشتند، ما هم از توجه‌شان به مباحث، تشکر می‌کنیم.

ما به این نتیجه رسیدیم که احکام دینی ما و عناوین فقهی ما، به نحو قضایای حقیقیه هستند؛ به نحو قضایای شخصی نیست. و به این نتیجه رسیدیم که فقه اسلام، فقهی غنی و پربار است؛ و به خصوص فقه امامیه و فقه شیعه که قدرت پاسخ‌گویی‌اش به تمام مسائل، پوشیده نیست و توانا است؛ فقط باید این جهت را یاد بگیریم که راه رسیدن به پویایی فقه جواهری چیست؟ و این را باید به دست بیاوریم که ما فقه‌مان، فقه پویای صاحب جواهر باشد.

## 3- صاحب جواهر، فقیه سنتی متجدد و نوآور

موقعی به مناسبتی خواستیم ببینیم صاحب جواهر، سنت‌گرای خاص هستند، یا به مسائل مستحدثه هم توجه دارند؟ تحقیقی بیست سال پیش انجام دادیم؛ به این نتیجه رسیدیم که صاحب جواهر، گرچه یک فقیه سنتی است، ولی فقیه متحجر به آداب سنتی که متجدد نباشد، نیست؛ بلکه متمدن در عین حال، سنتی است.

## 4- کارآمدی فقه در همه زمان‌ها و همه مسائل جدید

ما هم الآن نیاز به این گونه افراد داریم؛ کسانی که به عمق فقه و کارآمدی فقه برسند. و ما هم عرض‌مان این است و بارها عرض کردیم در خارج فقه و خارج اصول که فقه، ناکارآمد نیست. کسانی که می‌گویند فقه ناکارآمد است، خودشان ناکارآمد هستند؛ ناکارآمدی و ناتوانی خودشان را حتی در مسائل فقهی، با کمال تأسف به گردن فقها می‌اندازند.

## 5- شکر امیرالمؤمنین علیه السلام، به جهت بیان همه مسائل مورد نیاز مردم

من یک روایتی خدمت‌تان نقل کنم. روایت زیبایی است که حضرت امام ره در کتاب بیع می‌آورند، از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است که تعبیر زیبایی است و همین روایت برای استناد به همه مباحث ما کفایت می‌کند.

«الحمد لله الذي لم يخرُجني من الدنيا حتى بَيَّنْتُ للأُمَّة جميع ما تحتاج اليه»؛ [4]

چقدر تعبیر زیبایی است؛ خدایا تو را شکر می کنم که همه آنچه مردم نیاز داشتند، قبل از اینکه از دنیا خارج شوم، برای مردم بیان کردم. این، دلیل بر غنای فقه و اسلام است.

ما عرض مان این است که آنچه که بشر مورد نیازش است، ذات باری تعالی بیان کرده است؛ منتها ما باید اینها را به صورت احکام اولیه و احکام مستحدثه تبیین کنیم.

#### 6- در قرآن، کلیات علوم از جمله طب آمده است

این شامل طب هم می شود.

قرآن ﴿تَبَيَّنَا لَكُلِّ شَيْءٍ﴾ [5] است؛ قطعاً یکی از شیءها هم، طب است؛ منتها جزئیات طب، غیر از اصول طبابت است. همان طور که در ملاقات یهودی با رسول اسلام - که الآن هم اکل و شرب و خواب را بیان کردیم - طبیب یهودی آمد نزد رسول مکرم اسلام صلی الله علیه وآله؛ حضرت فرمودند: «زمانی که گرسنه هستی، وارد سفره شو و تا هنوز سیر نشدی، بلند شو و مراقب نظافتت باش»؛ او وقتی کلمات حضرت را شنید - چون طب در بین یهود، نشر خاصی داشت - گفت: تمام طب را آموختم. بله مسائل طب هم هست.

#### 7- موجود بودن کلیات مسائل بورس، در منابع فقهی

عرض ما این است که عناوین اصول مستحدثه را در فقه داریم؛ ولی باید بیان شود.

مسائلی که مربوط به بورس است، آیا نفس مسائل بورس است، یا خیر؟

به جهتی خود مسائل است و به جهتی نیست؛ اگر مراد این است که اینترنت و ارتباطات روز و دیجیتالی و فضای مجازی که مطرح است، این نبوده و مستحدثه است و نفس مسائل بورس است، ولی اگر نسبت به اصول است، ما عرض مان این است که قطعاً وجود دارد.

خدا رحمت کند بزرگانی را که در وجود این عناوین در فقه، بحث کردند؛ خدا رحمت کند سید یزدی در عروه که اکثر فقهاء، تعلیقاتشان بر اساس عروه است، می فرمایند:

«و حصر المعاملات في المعهودات ممنوع»؛ [6]

اینکه معاملات را در همین معاملات متداول کتب قدیمی محصور کنیم، ممنوع است؛ یعنی حصر عقلی نیست، بلکه استقرائی است و در حصر استقرائی، هر فقیهی نسبت به خودش، می تواند زمان خودش، این استنباط را داشته باشد.

برخی فقها در حاشیه عروه، این طور فرمودند:

«و لكن أحدا من الفقهاء لم يحصر العقود و المعاملات بما دون كما ان الكتاب و السنة لم يحصرا ذلك.»

این تعبیر خیلی از محشین و معلقین بر عروه دارند که همان طور که در قرآن و سنت، حصر در معاملات نیست، در کتابهای فقهی هم نمی‌توانیم بگوییم همین که بیان کردیم هست. معاملات، دامنه وسیعی به وسعت زمان و مکان دارد و معنی دخالت زمان و مکان، به همین جهت است.

#### 8- توجه به عناوین اولیه و عناوین ثانویه در استنباط مسائل مستحدثه

نکته دیگر در تطبیق و استنباط و استخراج مسائل مستحدثه، به خصوص بورس در مسائلی فقهی‌مان، این است که باید تحت عنوان همین عناوین (اولیه و ثانویه) پردازیم.

ما قبلاً گفتیم هر چیزی، حکمی و موضوعی دارد؛ تناسب بین حکم و موضوع، مطرح است. احکام، ثابت و موضوعات، متغیر هستند؛ حکم الهی، تغییر و تبدل ندارد، اما موضوعات، تغییر و تبدل دارند. فقیه، آن است که در تلاطم ازمنه، بتواند مستخرج حکم الهی باشد.

#### 9- تغییر احکام عناوین اولیه، با پیدایش عناوین ثانویه

نفس این عنوان «عناوین»، می‌تواند اینجا کمک کند. عناوین اولیه و ثانویه در احکام ما هست؛ شاید حکمی به عنوان اولی، غیرمتغیر باشد، ولی به عنوان ثانوی، می‌تواند متغیر باشد.

تغییر، وابسته به عنوان اولی و ثانوی است؛ این خیلی فقیه را کمک می‌کند. عنوان ثانوی، عنوانی است که برای حکم با توجه به عوارض و حالاتی که به وجود می‌آید، پیش‌آمد می‌کند.

#### 10- نمونه‌هایی از عناوین ثانویه در منابع دینی و فقهی

##### 10.1- اضطرار

مثال: این مثال، در قرآن هم هست؛ الآن به لحاظ حکم اولی، خوردن میته حرمت دارد. تا قیامت هم، ثابت است، اما الآن شخصی است که در بیابان گرفتار شده و به تعبیر قرآن، مضطر شده؛ کسی که مضطر است و چاره‌ای ندارد، می‌تواند طبق قرآن، از گوشت میته به قدر ضرورت، استفاده کند؛ ﴿وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَّا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ﴾ [7].

پس خود اضطرار، به تعبیر ما، برون رفت از خیلی از احکامی است که دست ما را در مسائل مستحدثه، باز می کند؛ مثلاً بیع مکره که به اکراه، بیع می کند، یا بیع مضطر که چاره‌ای جز این ندارد، صحیح است.

از ابوبصیر است که از امام صادق علیه السلام سوال کردم مریض، چطوری است؟ حضرت فرمودند: این مریض، گاهی چیزهایی که بر او حرام است، حلال شده است. «إِلَّا وَقَدْ أَحَلَّهُ لِمَنْ اضْطُرَّ إِلَيْهِ [8].»

یکی از شرایط استنباط مسائل مستحدثه، این است که فقیه، زمان شناس باشد و زمان‌ها را به اضطرار و غیر اضطرار بشناسد.

#### 10.1.1- منحصراً نبودن عناوین ثانویه در اضطرار و ضرر

و من اینجا این مطلب را عرض کنم که عناوین ثانویه، عناوین منحصراً در اضطرار و ضرر نیست که بگوییم این شخص، باید الآن روزه بگیرد، اما اگر روزه برایش ضرر دارد، روزه نگیرد. بعضی گمان می کنند عناوین ثانویه، منحصراً در ضرر و اضطرار است. بین شهرت و انحصار، فرق است. بین تغلیب و انحصار، فرق است. اینها عناوین تغلیبی ثانویه است، نه عناوین انحصاری ثانویه. فقیه باید عنوان شناس باشد.

#### 10.1.2- فتوای امام رحمه الله برای تحریم حج، نمونه ای از استفاده از عناوین ثانویه

اینکه حضرت امام، سال ۶۶ حج را حرام کردند، برای همین است؛ حضرت امام رحمه الله، فتاوی مختلفی به عنوان فقیه حاکم بر احکام دادند. حاکم شرع، ناظر بر اجرای احکام الهی است. کسی که می خواهد اجرا کند، قطعاً باید ضرر و اضطرار و عسر و حرج را تشخیص دهد.

#### 10.2- عسر و حرج

ما چقدر روایت و حتی آیه در مورد عسر و حرج داریم؛ ﴿وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾ [9] ما در سالیان قبل که قواعد فقهیه را بحث می کردیم، قاعده عسر و حرج و قاعده ضرر را قبلاً بحث کردیم.

الآن این حکم، عسر و حرج دارد. عسر و حرج فردی و جمعی و تبعی، می تواند احکام را جابه‌جا کند. یک فقیه، باید عنوان شناس باشد و عناوین را تشخیص بدهد. آیا اینجا جای حکم اولی است، یا ثانوی؟

#### 10.3- تقیه

یکی از مسائلی که از عناوین ثانویه است و خیلی کاربرد دارد، عنوان تقیه است؛ حتی تقیه صاحب مذهبی، نسبت به مذهب دیگری. در عربستان، فقه دیگری حاکم است و نمی‌توان هر کاری کرد. تقیه تحبیبی، یا خوفی، یا برای حفظ اسرار و عدم اشاعه بعضی از منکرات، و حتی نهادینه شدن برخی معروف‌ها، انواع مختلفی از تقیه است که ما باید انواع آن را بشناسیم. سجده بر فرش در قم، جایز نیست؛ ولی در جایی که باید حفظ وحدت شود، یا جان شخصی در خطر باشد، اینجا عنوان ثانوی می‌گوید اشکالی ندارد. پس بحث تقیه، یکی از موضوعات عناوین ثانویه است.

### 11- نمونه‌ای از تطبیق مسائل مستحدثه بر عناوین ثانویه

بحث دیگری که در مسائل کرونا، مبتلا به است: اگر شخصی که بیماری کرونا دارد، وارد در جمعی شود، آن جمع، مبتلا می‌شود؛ ورود در آنجا، شرعی نیست؛ چرا که مقدمه حرام است و لازم است که وارد نشود.

### 12- لزوم شناخت عناوین اولیه و ثانویه و تقدم هر یک بر دیگری، در صورت تزامم برای فقیه

اینها، عنوان مقدمیت دارد. عنوان مقدمیت، از عناوین ثانویه است که فقیه باید آن را بشناسد.

در تزامم مفصل بحث کردیم از اموری که فقیه باید عنوان‌شناس باشد، شناخت اهم و مهم است. اگر فقیهی امر اهم و مهم را نتواند تشخیص دهد، نمی‌تواند مسائل مستحدثه را استنباط کند.

ما یکی از شرایط استنباط مسائل مستحدثه را، عنوان‌شناسی مستنبط و مستخرج و مجتهد در مسائل مستحدثه می‌دانیم. و این عناوین هم، مختلف است.

### 13- نسبت بین عناوین اولیه با ثانویه: حکومت یا ورود

یا حتی عناوینی، بر عناوین اولیه حاکم می‌شود؛ مثلاً با وضو بودن، مستحب است؛ ولی کسی با نذر، عهد یا قسم، این عناوین ثانویه حکم را تغییر می‌دهد. بنابراین عناوین ثانویه در فقه ما، خیلی زیاد جریان دارد و می‌توانیم بگوییم عمده مسائل مستحدثه ما، با عناوین ثانویه حل می‌شود. فقیه باید با عناوین ثانویه، آشنا و آگاه باشد. و همین‌طور قواعد فقهیه‌ای که فقیه نیاز دارد، باید آشنا باشد.

یک بحثی که مطرح می‌شود این است که چه نسبتی بین عناوین اولیه و ثانویه هست؟

نسبت اینها، گاهی حاکمیت است؛ یعنی گاهی عناوین ثانویه، حاکم بر عناوین اولیه می‌شود؛ یعنی گاهی موضوعش را می‌برد؛ نتیجه‌اش این است که موضوع ثانوی پیدا می‌کند و موضوع ثانوی، حکم ثانوی درست می‌کند. بله، گاهی از اوقات، ورود دارد؛ ولی اکثراً حکومت است؛ یعنی عناوین اولیه هستند، ولی به ابتلائات جدید، موضوع مشخص می‌شود.

در مواردی حکومت عناوین ثانویه بر عناوین اولیه است. گاهی هم ورود است. هیچ یک، مطلق نیست. گاهی عنوان ثانوی، موضوعی برای عنوان اولی باقی نمی‌گذارد؛ و وقتی عنوان ثانوی افول کرد، یا از بین رفت، یا اقتضایش رفت، نتیجه‌ی مقتضی هم از بین می‌رود؛

مثلاً اکل میته تا وقتی جایز است که در بیابان باشد؛ اگر اضطرار از بین رفت، حکم جواز اکل میته هم، می‌رود. البته ما ضرر را هم، شخصی می‌دانیم. تا ضرر باشد، نمی‌تواند روزه بگیرد؛ ولی ضرر که از بین رفت، حکم تغییر می‌کند.

#### 14- عناوین ثانویه، نمونه ای از کارآمدی و به روز بودن فقه

پس فقیه، باید عنوان‌شناس باشد. و ما در عنوان ثانوی، قائل به حصر نیستیم. دست ما، باز است؛ برای همین فقه، هیچ موقع چالش ندارد. کسانی که می‌گویند فلان مسأله فقه را به چالش کشید، کرونا یا بورس چالش درست کرد، اینها موضوع‌شناس نبودند که این حرف را زدند. عناوین ثانویه را نشناختند. بحث عنوان ثانوی برای مجتهد، راه برون‌رفت از خیلی از چیزهایی است که در زمان‌های مختلف برای فقیه یا اسلام پیش‌آمد می‌کند. ما نمی‌توانیم جلوی پیشامدها را بگیریم. به مشکل نباید گفت، مشکل داریم. باید گفت راه خروج داریم. نسبت به مسائل مستحدثه، باید دید راه ورود و راه خروج و پاسخ‌گویی چیست.

ما فقه اسلام و شیعه را پاسخ‌گو می‌دانیم. نسبت به بورس هم، فقه را پاسخ‌گو می‌دانیم؛ فقط باید تصورش را داشت، تا تصدیق کنیم.

بحمدالله با توجه به این مطالبی که خدمت‌تان عرض شد، باید وارد بورس شد، تا تحلیل کرد.

#### 15- واژه‌شناسی کلمه بورس و تاریخچه آن

در بورس به عنوان پیش‌درآمد که این مسأله نبوده، یا بوده و بعضی از جهات آن نیست، باید وارد بحث بشویم:

نخستین بحث، کلمه «بورس» است؛ «بورس»، واژه فرانسوی و لاتین است؛ از بورسا می‌آید. - ان‌شاءالله مراجعه می‌کنید؛ واژه‌شناسی، مقدم است. - کلمه «بورس»، اصلش به معنای کیف‌های چرمی یا خورجین‌های چرمی است که در جایی قرار داده می‌شود، یا از خانواده‌ی

بورس که نام شخصی بود، گرفته شده است؛ [10] یا جایگاهی که چرم‌ها، آنجا گذاشته می‌شد. الآن هم در روستاها و میان محله‌ها، رسم است. در چهارشنبه‌بازار رفته‌اید که بعضی‌ها، بساطی دارند. پهن می‌کنند و جمع می‌کنند. این بورس، با توجه به تحلیلی که ما داریم، برای جمع و جور کردن خرید و فروش است.

خانواده بورس، سه چرم داشتند؛ و در هر یک، وسایلی برای خرید و فروش بود. و اصل معاملات به عنوان تاریخچه، از سه هزار سال قبل میلاد می‌دانند؛ ولی ما، این را با خلقت بشر یکی می‌دانیم. در کتیبه‌هایی، خرید و فروش را با خط میخی یا عبری، یادداشت می‌کردند. اصل معامله، قبل از میلاد بوده است، ولی به نظر ما، قبل‌تر و از زمان خلقت بشر بوده است.

کلمه «بورس»، یعنی «مبادله»، یا «مکان مبادله»، یا «سیستم مبادله». بورس، ابتدا در بلژیک رواج یافت، بعد در فرانسه، و بعد در نیویورک که الآن، بزرگ‌ترین بازارهای بورس را نیویورک دارد. در ایران هم، مبتلابه است.

چون ما فقه را اسلامی می‌دانیم و دایره تکلیف را عمومی می‌دانیم، با توجه به مباحث بورس بین‌الملل بحث می‌کنیم. بورس ایران را بررسی می‌کنیم؛ و ان‌شاءالله بعد، بورس‌های خارج را هم تحلیل می‌کنیم.

#### 16- تطبیق بورس با بحث مکاسب و متاجر در فقه

ما به این نتیجه رسیدیم با توجه به اینکه بورس، به معنای مبادله، یا مکان مبادله، یا سیستم مبادله، یا بازار مبادله است، یا به تعبیر بورس‌بازها، تالار بورس است، ما این را به لحاظ لفظ، در عناوین فقهی، معادل «مکاسب» و «متاجر» می‌دانیم. «مکاسب» و «متاجر»، جمع «مکسب» و «متجر» است. گاهی اسم مکان است، و گاهی اسم مصدر و زمان است؛ یعنی زمان یا مکان تجارت [11]. بورس، سیستم و بازار مبادله‌ای است؛ مبادله کالا، اوراق بهادار، قرضه یا عناوین دیگر که می‌رسیم.

بورس، همان مکاسب و متاجر کتاب‌های خودمان است. مرحوم شیخ، عنوان مکاسب گذاشتند و قبلاً عنوان متاجر شیخ مطرح بود. برخی بزرگان، کتاب‌های معاملات را عقود، نام گذاشتند؛ مانند: صاحب شرایع، شهیدین رحمهم‌الله در لمعه و روضه، اسم کتاب‌شان را متاجر گذاشتند. گاهی مکاسب گفته می‌شود. بورس، جایگاه یا سیستمی است که در آن معاملات صورت می‌گیرد.

#### 17- سیر تکامل معاملات تا عصر حاضر



معاملات اولیه، جنس به جنس بود؛ چون سکه نبود. چیزی که داشت، به دیگری می داد. مبادلات، از اینجا شروع شد. ما بحث معاملات را از معاملات، جدا نمی دانیم؛ بلکه معاملات، منشأ معاملات شد. این معاملات، این قدر گسترده شد که همان طور که از سید یزدی در عروه نقل کردیم، حصرش هم ممنوع است؛ یعنی تا بی نهایت اینها ادامه دارد و در هر زمانی رنگ و چهره‌ی خاص دارد؛ یکی از آنها، معاملات بورس است. حالا باید وارد شویم، ببینیم بورس، چه چیزهایی نیاز دارد؛ و ببینیم خصوصیتی که آنها مطرح می کنند، مورد تأیید است یا نیست؟ روایات و سائل و کتاب مکاسب را ملاحظه بفرمایید.

---

[1] مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۰۰.

[2] سوره فاطر، آیه ۱۳.

[3] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسی، ج ۵۹، ص ۲۹۰.

[4] کتاب البیع، الخمینی، السید روح الله، ج ۲، ص ۴۶۲.

[5] نحل/سوره ۱۶، آیه ۸۹.

[6] العروة الوثقی - جماعة المدرسين، الطباطبائی الیزدی، السید محمد کاظم، ج ۵، ص ۳۳۰.

[7] سوره انعام، آیه ۱۱۹.

[8] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۵، ص ۴۸۳، أبواب القیام، باب ۱، ح ۷، ط آل البيت.

[9] سوره حج، آیه ۷۸.

[10] تاریخچه بورس ایران و جهان، ص ۱۱.

[11] کتاب مکاسب، الشیخ مرتضی الأنصاری، ج ۱، ص ۷.